



آثار روانی اسارت بر اسیران

تعریف شکنجه:

وارد نمودن رنج و عذاب و اذیت به قصد تحت کنترل در آوردن فرد مورد شکنجه با استفاده از حربه های مختلف.

میزان عذاب شکنجه بستگی دارد به شکنجه گر (عامل شکنجه) و شرایط فرد مورد شکنجه که با توجه به نوع شکنجه و حالات شکنجه گر و شکنجه شونده متغیر است.

تاریخچه شکنجه:

ابتدای تاریخ شکنجه بر می گردد به آغاز خلقت آدمی و آغاز مخالفت های آدمیان با بعضی قوانین و گروه ها و دوستی ها و دشمنی ها و ... در حقیقت تاریخ شکنجه از داستان هایبیل و قابیل و مشابه آن در جنگ ها و زندان ها و اسارتگاه ها و در هر جایی که به نحوی افراد را تحت بندگی و بند خود می گرفت، شروع شد. در صدر اسلام، تاریخ انبیا و معصومان، قبل از آن و پس از آن شکنجه امری عجیب شده با زندگی انسان ها بوده است و و ائمه معصومین (ع) همگان را از انجام دادن این عمل زشت برحذر می داشتند. پیامبر اکبر (ص) مثله کردن را حرام دانسته است و حضرت علی (ع) در تایید آن در وصیت های خود سخن گفته است.

حالات روانی شکنجه

شکنجه به تناسب فشارها و خطرات و عواقب نامطلوبی که ایجاد می کند، سبب بروز حالات روانی خاصی می شود که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

انواع حالات روانی شکنجه

الف - حالات روانی اسیر قبل از شکنجه.

ب - حالات روانی اسیر حین شکنجه.

ج - حالات روانی اسیر بعد از شکنجه.

هر یک از حالات روانی شکنجه در قبل، حین و بعد از آن، در این فصل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد و به تمامی بر اساس استدلال های علمی و روان شناسی و بر اساس واقعیات عینی و ملموس ارایه می گردد.

بی شک حالات روانی اسرا و واکنش های آنان به شکنجه، با هم متفاوت است؛ اما در این فصل سعی شده است ویژگی های مشترک این واکنش ها بر اساس تجربیات شخصی مولف از شکنجه و نیز تبادل نظر با سایر اسرا بررسی و کاویده شود.

شکنجه و حضور دیگران

آیا حضور دیگران از شدت آثار شکنجه و عواقب آن می کاهد؟ باید گفت حضور سایر اسرا به هنگام شکنجه باعث می شود تا ابراز هیجان، کم و مقاومت در مقابل درد و شکنجه تسهیل گردد. وقتی افراد به طور دسته جمعی شکنجه می شدند، درد کمتری را احساس می کردند؛ ولی وقتی اسیری را به تنهایی برای شکنجه می بردند، عذاب شکنجه بسیار بیشتر بود. حضور دیگران چه قبل از شکنجه و چه در حین شکنجه و چه پس از آن باعث سهولت پذیرش و تحمل پذیر شدن درد بوده است. چه بسا نگاه کردن اسرا به یکدیگر به هنگام شکنجه شدن، موجب ایجاد حس همدلی و اعتماد به نفس در آنان می شد و تحمل درد را آسان می کرد. برعکس اگر شکنجه در اتاق شکنجه یا در هر محل دیگر به تنهایی انجام می شد میزان فشار وارد شده را افزایش می داد.

حالات روانی اسیر بعد از شکنجه

مهمترین حالات روانی که اسیران پس از شکنجه از خود بروز می دادند عبارتند از:

۱- آرامش شدید:

پس از شکنجه، اسیر احساس راحتی و برداشته شدن بار و سنگینی از دوش خود را داشت و خلاصی از خطر را نوعی شانس دوباره زندگی می دانست؛ احساسی جالب و آرامش بخش اسیر را در بر می گرفت؛ مثل احساس سبک شدن و خلاصی از حالات سخت، البته اگر متوالیا حتی برای

ساعتی یا چند ساعتی شکنجه متعاقب در پی نبود. حالت ریلاکس اسیر بیانگر فراغت از درد مستمر و مضاعف بوده است؛ البته ممکن بود کسی این حالات را نداشته باشد، ولی اندک بود. چه بسیار اسیران پس از تحمل شکنجه جملائی از قبیل: «آخی راحت شدم، کتک چه مزه ای دارد، بدنم خارش داشت» و جملائی از این قبیل - که همه نشانه راحتی پس از شکنجه بود - بر زبان می آوردند و این راحتی به دلیل انجام دادن تکلیف و رهایی از درد بر فرد عارض می شد.

۲- ضربان قلب طبیعی:

در حالت آرامش، ضربان قلب آرام می شد و نوعی راحتی و موزون بودن ضربان قلب عاید می گشت؛ البته این امر طبیعی است و اسیر چون یک مشکل و سختی را پشت سر گذاشته است، احساس خلاصی می کند و به تبع آن ضربان قلب او عادی می شود.

۳- اشتهاى شدید به خوردن و نوشیدن:

پس از شکنجه اشتها به خوردن و آشامیدن به اوج می رسید. اگر خوردنی یا نوشیدنی در دسترس بود و ممنوع هم نبود، اسیران به آن تمایل زیادی نشان می دادند. خوردن و آشامیدن ارتباط تنگاتنگ دارد با حالات روانی آدمی و چون اسیر پس از شکنجه - با وجود درد جسمانی - احساس خلاصی می کند، اشتهايش افزایش می یابد.

۴- احساس ضعف و راحتی:

خوشحالی درونی، یکی از حالات خوب بعد از شکنجه بود که نشانه رها شدن از موقعیت دردناک بوده است و راحتی نسبی از درد، خنده، بشاش شدن، مهر و محبت کردن به دیگران، ایجاد نوعی امید درد و احساس شانس بیشتر زنده ماندن را برای اسرا ایجاد می کرد. ممکن بود اسیری در این فکر باشد چرا کتک می خورم؟ چه گناهی کردم؟ آخر چرا و چرا و چرا؟ ولی در مجموع حالات خوشحالی بعد از شکنجه بیشتر بوده است و این خوشحالی بیشتر به خاطر این بود که اسیر توانسته است وظیفه اش را خوب انجام دهد و تسلیم حرف های زور عراقی ها نشده است؛ لذا پس از شکنجه - به رغم درد بسیار - به گفتن طنز، لطیفه و شوخی می پرداختند.

۵- حرکات طبیعی و موزون:

بعد از شکنجه، حرکات و حالات اسیر موزون و طبیعی می شد. موزون بودن حرکات اسیر و برگشت به حالات اولیه یا طبیعی، نوعی راحتی روانی ایجاد می کرد. در کلیت اسارت نوعی گسیختگی روانی و ناموزونی حاکم بود؛ اما وقتی شکنجه شدت می گرفت و دوباره رفع می شد، حالت آرامش شدت می یافت.

۶- کوفتگی های شدید بدنی به همراه راحتی روانی:

بعد از شکنجه اسرا درد جسمانی را نوعی راحتی به حساب می آوردند؛ به تعبیر دیگر در قیاس دو درد (درد جسمانی و درد روانی) دردی که کمتر فشار وارد نماید در درد شدیدتر محو می شود؛ مثلا کوفتگی های بدن نوعی لذت پس از شکنجه محسوب می شد. خستگی جسمانی بعد از شکنجه به جا می ماند؛ اما مشاهده آثار شکنجه نه فقط دردناک نبود، بلکه به اسیر احساس لذت می داد؛ البته بعضی از آثار آن غیر قابل تحمل بود که خود فشارزا بودند.

میزان اعتقاد، اعتماد به نفس و هدفمند بودن رفتار اسیران در صبر و تحمل آنان دخیل بود.

۷- بذله گویی و شوخ طبیعی:

بعد از شکنجه به خاطر این که از خطر خارج می شدیم، بچه ها شوخی می کردند و لطیفه می گفتند و می خندیدند. یکی می گفت: ما که باکی نداریم هر چه می خواهند بزنند یکی از عراقی ها می گفت: من تعجب می کنم، شما این همه کتک می خورید ولی بعد از شکنجه و کتک دایم می خندید و شوخی می کنید؛ اصلا شما آدم های استثنایی هستید. عراقی های دیگر مشابه آن را می گفتند. یکی از اسیران پاسدار وقتی که به شدت مورد شکنجه قرار گرفته بود، در حالی که ممنوع الکلام هم بودیم، وقتی از حالش پرسیدیم با علامت و اشاره گفت: فلانی یک عصا و کلاه شاپو نیاز دارم، که البته همه این کارها به خاطر تقویت روحیه اسیران بود. بسیاری از اسیران به شوخی می گفتند: به کتک عادت کردیم اگر یک روز شکنجه نشویم بدنمان می خارد و ...

۸- آثار شکنجه در مدت طولانی:

آثار برخی شکنجه‌ها - چه شکنجه‌های جسمانی و چه شکنجه‌های روانی - به سال‌های بعد می‌رسید؛ یعنی بعضی از شکنجه‌ها آثار و عواقبش آنی نبود بلکه در آینده خطرانی را در پی داشت. یکی از دزبان‌های عراقی می‌گفت: پس از شکنجه فعلا خوشحال باشید؛ آثار ضربات ما چند سال بعد وقتی آزاد شدید معلوم می‌شود، دندان‌هایتان چطور

می‌شود، درد کمر و استخوان و .. هر یک بروز می‌کند و .. و البته به واقع او راست گفته بود، چه بسیار اسیرانی که یک به یک انواع بیماری‌ها و آثار شکنجه در بدنشان بروز می‌نماید و بعضا به شهادت می‌رسند.

شکنجه جزو لاینفک اسارت در عراق بود؛ به طوری که هرگاه از اسارت حرف می‌زنیم خود به خود شکنجه‌های ناجوانمردانه تداعی می‌شود. در دوران اسارت شکنجه به اشکال مختلف وجود داشت، البته بیشتر شکنجه‌ها به صورت زدن با شلاق و باتوم و زدن و مضروب کردن با دست و پا (سیلی و مشت و لگد) بود و سایر موارد از این قبیل.

انواع:

الف - شکنجه‌های روانی:

تعریف: انواع عذاب و اذیت‌های که روان آدمی را بیازارد و به آن لطمه بزند.

ب - شکنجه‌های جسمانی:

تعریف: عذابی که جسم و جوارح آدمی را تهدید کند و به آن آسیب برساند.

شکنجه روانی

شکنجه‌های روانی - با توجه به مطالبی که در مباحث قبل آمده - مصداق واقعی سخت‌ترین عذاب‌ها است. از آن‌جا که می‌دانیم همیشه و در طول تاریخ برای این که عذاب شدیدتر باشد، یورش‌های روانی و وارد کردن استرس‌ها از شگردهای حاکمان بوده، حتی در اعتقادات و ادعیه‌ها وارد شده است که عذاب روانی روز قیامت سخت‌تر از عذاب جسمانی است.

شکنجه های روانی همیشه سخت تر از شکنجه های جسمانی است، وقتی فرد دچار یک عارضه روانی سخت می شود، به جرات

می توان گفت: ضربات جسمانی را کمتر احساس خواهد نمود. در اسارت این امر بسیار بدیهی به نظر می رسد. تونل وحشت یا اتاق آرایش و نقاشی و ... از مصداق های شکنجه روانی در اسارت است.

تونل وحشت چنین بود که وقتی یک یا چند اسیر در محاصره بسیار تنگ و سخت شلاق به دستان و باتوم به دستان عراقی قرار می گرفت، با شلاق و باتوم و نبشی و یا چیز دیگری که به دستشان می آمد آنها را می زدند چه بسا اسیر بی هوش می شد و آنان همچنان می زدند. هرگز یادم نمی رود وقتی که ما را به استخبارات و امنیت ناصریه عراق بردند، همین که ما را از ماشین پیاده کردند گروهی ایستاده بودند و می زدند. بعضی ها وحشیانه شاخه های درختان را سریع می شکستند و بر بدن های اسیران می کوبیدند، حال به کجای بدن و سر و صورت اصابت کند معلوم نبود. عراقی ها انواع دیگری از شکنجه ها را نیز در اسارت انجام می دادند که در جای خود بیان می شود.

شکنجه جسمانی

شکنجه های جسمانی به مراتب راحت تر از شکنجه های روانی است؛ زیرا اگر هر عضوی از جوارح مورد شکنجه قرار گیرد روان آدمی در دردش شریک خواهد شد. شاعر جالب سروده است:

چو عضوی به درد آورد روزگار

/ دگر عضوها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بی غمی

/ نشاید که نامت نهند آدمی

شکنجه های جسمانی ابعاد مختلفی دارد که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد.

ادغام شکنجه های جسمانی و روانی

بی شک شکنجه های جسمانی و روانی توامان اسیر را آزار می داد و اسیر با وضعیت بحرانی و نگران کننده ادغام شکنجه های جسمانی و روانی، درد رایبتر حس می کرد. همان گونه که قبلا هم اشاره شد ارتباط تعاملی و لاینفک جسم و روان باعث می شود خوشحالی و بدحالی را توامان حس کنند و شدت و ضعف درد بر میزان اثرگذاری آن نقش داشته است.

انواع شکنجه های روانی

۱- انتظار شکنجه

۲- تحقیرها

انواع تحقیرهای اسارت:

تحقیرهای اسارت فهرست وار عبارتند از:

۱-۲: ممنوعیت های عاطفی، اجتماعی، سنتی و ...

۲-۲: رودررو قرار دادن اسیر از شکنجه های مختلف مثلا: گاهی دو اسیر را روبه رو می کردند تا به هم سیلی بزنند و یا مجبور کردن اسرا برای تف کردن به روی همدیگر، حتی گاهی دو برادر، پدر و پسر یا دو رفیق و ...

۳-۲: مسخره و استهزای اسیر. استفاده از عبارات و جملات رکیک برای تمسخر اسیران.

۴-۲: خوار و کوچک شمردن با بیان مطالب دروغ و تحقیرآمیز، مثل این که شما مجوس و آتش پرست هستید و ما اسلام را به ایران آوردیم. شما آتش پرست بودید، عرب شما را مسلمان کرد و شما مجبور شدید بپذیرید، شما چه جور رزمنده ای بودید. شما چه هستید و چه جورید.

۳- شایعه پراکنی ها:

عوامل موثر در پخش شایعه عبارتند از:

۱- عوامل اجتماعی (ابهام در خبر، ترس های اجتماعی و خلاء خبری)

۲- عوامل فردی (جلب توجه، تسلط بر شنونده و پرکردن وقت)

۴- ترور شخصیت :

از شگردهای بسیار ناجوانمردانه و شیادانه عراقی ها که با مساعدت اسرای جاسوس خود فروخته و اجیر انجام می گرفت، ترور شخصیت بود که به طرق مختلف انجام می گرفت. از جمله آن ها تهمت های جنسی با بدترین و زشت ترین شکل آن بود.

تهمت های شخصیتی، هرچه شخصیت افراد مهم تر و برتر بود میزان تهمت ها بیشتر بود و البته این امور مطلق نمی باشد. هر یک از اشکال ترور شخصیت اسرا به نیات پلید عراقی ها بستگی داشت چون می بایست اسرایی را که از محبوبیت برخوردار بودند به طرقی به ظاهر موجه، بشکنند. ترور شخصیت بیشتر در مورد روحانیان، فرماندهان، پاسداران، معلمان، بسیجیان و افراد برجسته انجام می پذیرفت.

۵- محدود کردن اسرا

۶- وعده و وعیدهای طولانی شکنجه

۷- محدودیت های اعتقادی

۸- محدودیت های مربوط به ارسال نامه ها

۹- انواع ممنوعیت های غیرمعقول و خواسته های غیرقانونی

۱۰- انواع محدودیت های ناجوانمردانه

۱۱- انواع امر و نهی های نظامی و غیرنظامی

۱۲- ممنوعیت امور عادی در اسارت و زدن اسرا

۱۳- شکنجه های روانی در بیمارستان

۱۴- مصاحبه های اجباری برای رادیو و تلویزیون عراق

۱۵- شهادت سایر اسرا

مثلا در اوایل اسارت بود. تازه از استخبارات و امنیت بغداد و ناصریه، ما را وارد کمپ کرده بودند. همه ایام قبل از ورود به اردوگاه را فشار روحی و شکنجه و عذاب بسیار دست و پا زده بودیم. روزگار خیلی سختی بود. اسیر بسیجی گیلانی به نام آقا مرتضی مجروحی هم همراهمان بود که به این محل و آن محل منتقل می شد، همواره با ما کتک می خورد و شکنجه می شد، از تشنگی و

گرسنگی و همه چیز رنج می برد تا این که روز اول در اردوگاه اسرا و در آسایشگاه که عراقی ها همه ما را می زدند و ناجوانمردانه آماج شکنجه های وحشیانه آن ها بودیم، این عزیز بسیجی، چندین مرتبه مورد تهاجم و شکنجه آنان قرار گرفت، بر بدنش می کوفتند و او فریاد می کشید «مومنان جهاد بنمایید در راه خدا، الله اکبر، خمینی رهبر» و ... اما عراقی ها همچنان او را می زدند. تشنج بسیار سختی عذابش می داد. لحظاتی بعد دو نفر از بهیاران عراقی آمدند و به اجبار آمپولی را به او تزریق کردند. لحظاتی کوتاه پس از آن «آقا مرتضی» سکوتی کرد و به جنت الماوی پر کشید. اسرا در بهت و ماتم سکوتش، یارای گریستن هم نداشتند. به راستی همه ما چنان مرگی را آرزو می کردیم؛ لکن تحمل فشار روانی و عذاب و شکنجه روانی این حادثه برای اسرا سخت و جانکاه بود.

۱۶- به بازی گرفتن احساسات پاک اسرا

۱۷- شکنجه روانی با استفاده از رسانه های گروهی

۱۸- تفتیش

۱۹- بازجویی

۲۰- سرکوب نمودن هر عملی که اسیران برای آرامش روانی خود اختراع و ابداع می کردند

۲۱- پخش صداهای آزار دهنده برای آزار دادن اسرا صداهای حیوانات و سایر صداها از بلندگوهای اردوگاه پخش می شد.

۲۲- درج اکاذیب در نامه های اسرا

۲۳- مجبور کردن اسرا به احترام گذاشتن به همه عراقی ها

۲۴- شکنجه دادن افرادی که از محبوبیت بیشتری بین اسیران برخوردار بودند

۲۵- مجبور کردن اسرا به توهین کردن به مقدسات و شعار دادن علیه بزرگان نظام جمهوری

اسلامی

۲۶- برگرداندن اسیر به اردوگاه اسرا پس از اعلام آزادی

- ۲۷- تنگناهای مختلف مثل آب آشامیدنی، دستشویی، حمام و ...
- ۲۸- استفاده از رنگ های تند و آزار دهنده
- ۲۹- حبس های انفرادی
- ۳۰- راه رفتن بر روی محل زندگی و غذاخوری و پتوی اسیران در آسایشگاه با کفش های کثیف و گلی
- ۳۱- لخت کردن اسیران و اجبار برای حضور دسته جمعی در حمام
- ۳۲- اعلام برخی بیماری ها در اسیران که بعضا مسری هم بودند
- ۳۳- شرطی کردن اسیر
- ۳۴- کتک زدن اسیران به بهانه های واهی و غیرمنطقی
- ۳۵- نشان دادن اسیر در صف نظام
- ۳۶- بنشین و بر پاهای بسیار زیاد و طولانی
- ۳۷- سوء تغذیه به واسطه کمبود غذا و آب و ...
- ۳۸- پاره کردن نامه های اسیران
- ۳۹- تبلیغ و تضعیف روحیه اسیران با کمک گرفتن از منافقان
- این ها همه قطره ای از بیدادی بود که بر آزادگان ما در سال های اسارت رفت.

پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس

مقاله: آثار روانی اسارت بر اسیران

نویسنده: آزاده ابوالقاسم عیسی مراد

منبع: سایت ساجد